

تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر شاخص‌های توسعه انسانی

رمضان جهانیان^{*۱}
راحله صالحی^۲

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۳/۳۰)

چکیده

هدف پژوهش حاضر تعیین تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر شاخص‌های توسعه انسانی می‌باشد. روش پژوهش از نوع شبه‌آزمایشی، تک‌گروهی با پیش‌آزمون و پس‌آزمون بوده و جامعه آماری این پژوهش ۳۰ آموزشگاه آزاد فنی و حرفه‌ای با تعداد ۳۸۰۰ نفر کارآموز که در سه ماهه چهارم سال ۱۳۹۱ در این آموزشگاه‌ها ثبت‌نام نموده بودند. تعداد نمونه‌ها ۲۴۶ نفر (۱۲۳ نفر زن و ۱۲۳ نفر مرد) به صورت تصادفی بر اساس جدول تعیین حجم نمونه مورگان، انتخاب گردیده و روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی خوشه‌ای انجام گرفت. ابزار سنجش، پرسشنامه محقق‌ساخته، که پایایی سؤالات پرسشنامه با استفاده از آزمون ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰٫۸۵ محاسبه شده است. نتایج پژوهش نشان داد که، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر کاهش میزان بیکاری و فقر تأثیر داشته است. همچنین در افزایش امید به زندگی و بهبود شرایط زندگی نیز مؤثر بوده و باعث افزایش توانمندسازی و سلامت روان در افراد آموزش‌دیده گردیده است. همچنین نشان داد که میزان تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر مؤلفه‌های شاخص توسعه انسانی، در زنان و مردان در آموزشگاه‌های آزاد استان البرز تفاوت وجود دارد. بنابراین نتایج بدست آمده در این پژوهش حاکی از این امر است که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر شاخص توسعه انسانی از جمله کاهش میزان بیکاری و فقر و افزایش امید به زندگی و بهبود شرایط زندگی و افزایش توانمندسازی و سلامت روان فراگیران تأثیر داشته و تمامی فرضیه‌ها با اطمینان ۹۹٪ در سطح معناداری ۰٫۰۰۱ مورد تأیید قرار گرفت.

واژه‌های کلیدی: آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، شاخص توسعه انسانی، امید به زندگی، اشتغال، توانمندسازی

*^۱ - دانشیار علوم تربیتی، گروه آموزش و پرورش ابتدایی، دانشکده روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران، مسئول مکاتبات:
Ramezan.jahanian@gmail.com

^۲ - کارشناس ارشد، گرایش مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات البرز، کرج، ایران.

۱- مقدمه

مفهوم توسعه انسانی در گزارش توسعه ۱۹۹۰ برنامه توسعه سازمان ملل متحد^۱ توسط آمارتیا سن و محبوب‌الحق^۲ به کار گرفته شد (UNDP, 1991). از آن پس، در گزارش‌های سالانه توسعه سازمان ملل متحد برای ارزیابی توسعه انسانی از شاخص‌های HPI، HDI^۳ و GDI^۴ شامل متغیرهای سواد، بهداشت، آموزش، طول عمر، جنسیت و درآمد استفاده شد. در این شاخصها جایگاه نیروی انسانی به عنوان عامل توسعه ارتقاء یافت. در اثر این تحولات، رویکرد انسان‌محوری یا قابلیت انسانی^۵ که در دهه ۱۹۸۰ توسط آمارتیا سن مطرح شده بود (Sen, 1981)، در دهه ۱۹۹۰ به صورت یک رویکرد جدید توسعه معرفی شد (Sen, 1997). بر اساس این رویکرد، جایگاه انسان از عامل توسعه به فاعل توسعه ارتقاء یافت، به گونه‌ای که نوع نگرش به انسان به عنوان عامل اقتصادی و ارزیابی رفتار وی به وسیله سطح مطلوبیت، منابع و درآمد دچار تحول شد. در این دگرگونی به کارکردهای مبتنی بر خواستها و اعمال انسان به عنوان محور توسعه شامل برخورداری از بهداشت، سلامت، مسکن، مشارکت اجتماعی و... توجه شد.

در جهان امروز جامعه‌ای برتر است که بتواند با افراد خود تعاملی پویا برقرار کرده و تلاش نماید تا نیازهای مادی و معنوی نیروی انسانی خود را درک کند. این امر مستلزم شناخت افراد و خواسته‌های آنان است. یکی از راه‌های نیل به چنین هدفی توجه روزافزون به ارتقای سطح دانش، آموزش و تربیت نیروی انسانی کارآمد است (موسوی‌نیک و همکاران، ۱۳۹۱). اشتغال و کسب‌وکار، کسب مهارت لازم برای انجام شغل و بهبود شرایط زندگی از موضوعات مهمی است که مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران است. در واقع در برنامه سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور پیش‌بینی شده که، ایران به قدرت اول منطقه از لحاظ اقتصادی، فنی و علمی در افق هزار و چهارصد و چهار تبدیل می‌شود، که جز با وجود نیروهای ماهر متخصص و دوره‌دیده، امکان پذیر نخواهد بود (کریمی‌موغاری و همکاران، ۱۳۹۰). همچنین افزایش جمعیت فعال کشور با توجه به ساختار جمعیتی و رشد نرخ بیکاری و وجود دانش‌آموختگان بیکار بعضی از رشته‌های دانشگاهی، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان را بیشتر از گذشته به اهمیت ارایه آموزش‌های متناسب با نیازهای جامعه و تعادل در توزیع امکانات و فرصت‌های آموزشی متوجه می‌نماید (شعبان‌پور، ۱۳۹۰). رشد فزاینده، میزان بالای جمعیت و مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی، تقاضاهای جدیدی را برای آموزش نیروی انسانی ماهر، در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ایجاد

¹-United Nations Development Programme

²-Amartya Sen & MahboubAl-Haq

³-Human Poverty Index

⁴-Human Development Index

⁵-Gender-Related Development Index

⁶-Human Capability

نموده است. در واقع مشکلی که همه کشورها با آن روبرو هستند این است که علی‌رغم مشکلات جدی اقتصادی، بتوانند از عهده تقاضای روز افزون فوق برآیند (ملکی شمس‌آبادی، ۱۳۸۵). سند راهبردی سازمان فنی و حرفه‌ای کشور دربرگیرنده هشت راهبرد، بیست‌وهفت سیاست و بیش از دویست‌وچهل و پنج برنامه و اهداف سازمانی با رویکرد کلی بسترسازی برای استقرار نظام جامع مهارت و فناوری است. از اهداف سند راهبردی مهارت و فناوری می‌توان به تحقق و پیاده‌سازی نظام و شرایط احراز شغل، بهبود اثربخشی و کارایی آموزش‌های مهارتی اشتغال، بسترسازی برای شکل‌گیری حفظ و توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان، جهت توسعه و توانمندسازی نیروی انسانی، تقویت حضور زنان در عرصه‌های مهارت‌آموزی، آموزش مهارت و سوق دادن به سمت اشتغال پایدار و کاهش فقر و بیکاری و... اشاره نمود (پرند وهمکاران، ۱۳۹۰). منابع انسانی پایه و اساس ثروت ملل است، سرمایه و منابع طبیعی عوامل منفعل تولیدند و نیروی انسانی به طور فعال سرمایه را انباشت می‌کند و منابع طبیعی را به کار می‌گیرد. علاوه بر آن، نیروی انسانی نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را بنا می‌کند و توسعه را پایه‌گذاری می‌کند. روشن است که اگر کشوری نتواند به توسعه و استفاده بهینه از نیروی انسانی خود بپردازد، قادر به توسعه هیچ چیز دیگر نخواهد بود. لذا با توجه به مسایل و اهداف مذکور سنجش تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر شاخص‌های توسعه انسانی، از جمله بیکاری، فقر، امید به زندگی، بهبود شرایط زندگی، توانمندسازی و سلامت روان شهروندان امری ضروری و یکی از مسائل مهم کشور به شمار می‌آید که پژوهش حاضر به دنبال بررسی تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر شاخص‌های توسعه انسانی می‌باشد. در ادامه به توضیح مبانی نظری متغیرهای تحقیق پرداخته شده است.

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای^۱: کوششی است که توسط سازمان فنی و حرفه‌ای برای تغییر افراد از طریق فرآیند یادگیری به منظور اثر بخشی و کارایی صورت می‌گیرد (داریانی، ۱۳۸۸). به عبارتی دیگر، در اقتصاد دانش‌محور، مهم‌ترین عامل تولید، نیروی کار و سرمایه نیست، بلکه دانش، مهارت و فناوری است که در واقع آموزش‌های فنی و حرفه‌ای آموختن دانش، مهارت و فناوری به طور همزمان به افراد می‌باشد (Usield, 1996).

شاخص توسعه انسانی^۲: یک شاخص ترکیبی است که بعد اساسی زندگی، یعنی دسترسی به امکانات لازم برای کسب دانش، برخورداری از یک عمر طولانی، زندگی سالم و رسیدن به سطح استاندارد زندگی را اندازه‌گیری می‌کند. این شاخص همه‌ساله از سوی برنامه توسعه سازمان ملل متحد منتشر شده و به مرور زمان مورد جرح و تعدیل قرار گرفته است و اینک به

^۱-Technical Vocational Training

^۲-Human Development Index

عنوان یک شاخص مقبول بین‌المللی برای سنجش توسعه‌یافتگی جوامع مورد استفاده قرار می‌گیرد (کميجانی و همکاران، ۱۳۸۹).

امید به زندگی^۱: امید در تمام ابعاد زندگی و همه سنین مشهود است، امید به زندگی توانایی یک احساس بهتر از آینده است و با نیروی نافذ خود، فعالیت را در افراد تحریک می‌کند تا فرد بتواند تجارب جدید کسب کرده و نیروهای تازه‌ای را در خود ایجاد نماید (Mazamdar, 2009).

بهبود شرایط زندگی (زندگی مناسب^۲): دشت وسیع آرزوها بی‌انتهاست چون فرصت زیادی نداریم باید خواسته‌های خود را محدود و بهترین‌ها را انتخاب کنیم هر فردی از پیرامون خود دیدگاه خاصی دارد، زیرا همیشه دلایلی برای شرایط زندگی بهتر وجود دارد برای داشتن شرایط زندگی مناسب و بهتر افراد باید خودشان را باور کنند، خوش‌بین باشند و ذهن خود را تا جایی که امکان دارد مثبت نگه دارند و به جای توجیه شکست‌ها، اراده کنند که پیشرفت نمایند. شرایط زندگی مناسب برای اغلب افراد برآورده شدن نیازهای اولیه و در نهایت تا مرحله سوم سلسله نیازهای مازلو^۳ می‌باشد (اسماعیلی، ۱۳۸۶).

فقر^۴: فقر مانند نیازهای اساسی پویا است. با یک مثال، بهتر می‌توان فقر را تعریف نمود، انسانی در کلبه کوچک می‌زیست و کاملاً احساس خوشبختی می‌کرد. تا اینکه همسایه‌اش در کنار او کاخی بنا نمود. از همان زمان کلبه‌نشین احساس محرومیت کرد. بنابراین فقر یا محرومیت نسبی است و از مقایسه سطح زندگی انسان‌ها با یکدیگر و گروه‌های مرجع که درآمد بالاتری دارند ناشی می‌شود (Wade, 2003).

توانمندسازی^۵: فرایندی است که طی آن احساس افراد در مورد خودکارآمدی افزایش می‌یابد و این امر از طریق شرایطی که عجز و ناتوانی را برطرف می‌کند، محقق می‌شود. به عبارت دیگر توانمندسازی به عنوان یک حالت انگیزش درونی در ارتباط با شغل تعریف می‌شود (Allen & Myer, 1990).

سلامت روان^۶: منظور از بهداشت یا سلامت روان عبارت از رشته‌ای تخصصی از بهداشت عمومی است که در زمینه کاستن بیماری‌های روانی در یک اجتماع فعالیت می‌نماید و بررسی انواع مختلف اختلالات روانی و عوامل مؤثری که در بروز آن‌ها نقش دارند، در قلمروی کار این علم می‌باشد. بهداشت روانی به معنای سلامت فکر می‌باشد و منظور نشان دادن وضع مثبت و سلامت روانی است که خود می‌تواند نسبت به ایجاد سیستم باارزشی در مورد ایجاد تحرک و

¹-Life Expectancy

²-Life Condition Improvement

³-Maslow's Hierarchy of Needs

⁴-Neediness

⁵-Empower

⁶-Safity

پیشرفت و تکامل در حد فردی، ملی و بین‌المللی کمک نماید. زیرا وقتی سلامت روانی شناخته شد، نسبت به دستیابی به آن اقدام می‌شود و راه برای تکامل فردی و اجتماعی باز می‌گردد (رزینی، ۱۳۹۰). مهمترین مؤلفه‌های سلامت روان عبارتند از: داشتن اعتماد به نفس و احساس کفایت، انعطاف‌پذیری، داشتن یک نگرش مثبت، احساس امنیت و آرامش خاطر (پورمقدس، ۱۳۶۷).

در زمینه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و شاخص توسعه انسانی پژوهش‌هایی انجام گرفته است که به شرح زیر به برخی از نتایج آنها اشاره می‌شود. ازکیا و همکاران (۱۳۸۰)، در پژوهشی با عنوان "تعیین‌کننده‌های اقتصادی اجتماعی فقر در مناطق روستایی کلاله" با استفاده از روش میانه درآمدی به محاسبه خط فقر در جامعه روستایی مورد مطالعه پرداختند. بر اساس یافته‌های پژوهش، ۱۵٫۷ درصد از ساکنان روستاهای این منطقه زیر خط فقر قرار دارند.

عزیزی و همکاران (۱۳۸۲) در بررسی و تعیین نیازهای آموزشی، مهارتی در بخش‌های صنعت، خدمات و کشاورزی استان اردبیل نشان داد که، این نیازها در دو بخش شامل: دسته اول فناوری اطلاعات، گردشگری، کشاورزی، هتلداری و دسته دوم برق، صنایع چوب و صنایع غذایی و اتومکانیک می‌باشد. نتیجه حاصل این بود که با تلفیق این دو دسته از آموزش‌ها می‌توان به نتیجه بهتر و واقع‌بینانه‌تری در خصوص کاهش بیکاری و فقر و رفاه اجتماعی دست یافت.

اردشیری و همکاران (۱۳۸۳) در بررسی میزان اثربخشی دوره‌های آموزشی طرح ۱۸ ماهه ایران و آلمان در کسب مهارت‌های فنی لازم اشتغال در شهر شیراز، نشان دادند که کیفیت برنامه‌های آموزشی هم در سال ۸۲ و هم در سال ۸۳ متوسط بوده است در زمینه اشتغال در کل ۱۷ درصد از آموزش‌دیدگان با مراجعه مستقیم به مؤسسه مربوطه جذب بازار کار شدند. ۴ درصد از طریق ادارات کاربایی، ۱۸ درصد از طریق معرفی آشنایان، ۹ درصد از طریق آگهی استخدام، ۳۷ درصد نحوه اشتغال خود را بیان ننمودند. همچنین نشان داد که رابطه بین شغل افراد و مهارت آنها در حد زیاد و خیلی زیاد، رابطه بین شغل و تحصیلات در حد خیلی کم بوده است.

شهرابی و همکاران (۱۳۸۳) در بررسی آموزش‌های کارگاهی و ضمن کار و افزایش اثربخشی در صنایع، نشان دادند که آموزش‌های کارگاهی و ضمن کار در صنایع باعث افزایش مهارت‌های شغلی، افزایش دانش و آگاهی، افزایش تولید و بهره‌وری، افزایش رضایت شغلی، کاهش غیبت و بهبود کار کارکنان شده است.

سیفیه (۱۳۸۴) در بررسی نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه و خوداشتغالی، مشخص کرد که بین آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و خوداشتغالی رابطه مستقیم وجود دارد و این ارتباط به ترتیب در بخش‌های صنعت، کشاورزی و خدمات قوی‌تر است و این رابطه متأثر از

استادان برجسته‌ای است که خود، اهل فن و تخصص بوده و این مهارت‌ها را به کارآموزان به نحو صحیحی ارایه می‌نمایند.

در پژوهش حسینی (۱۳۸۴) در بررسی تأثیر گذراندن دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای غیررسمی کوتاه‌مدت بر عملکرد مربیان استان تهران، نتایج حاکی از آن است که گذراندن این دوره‌ها باعث افزایش تخصص و آگاهی شغلی افراد شده، به ایجاد روحیه قوی و افزایش حس مسئولیت‌پذیری و همچنین باعث ایجاد و رشد خلاقیت و نوآوری می‌گردد.

عزیزی (۱۳۸۴) در بررسی نقش و عملکرد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کمیته امداد، بر اشتغال و خوداتکایی خانواده‌های تحت پوشش نشان داد که اگر بخواهیم جامعه‌ای خودشکوفای و رشدیافته داشته باشیم باید امکانات و زمینه خودکفایی و خوداتکایی افراد را فراهم آوریم تا به بهبود وضع مادی و رشد فضایل اخلاقی افراد کمک کرده باشیم همچنین نشان داد که بین وضعیت شغلی و استفاده از کلاس‌های آموزش فنی و حرفه‌ای رابطه مستقیم وجود دارد.

روح‌الامین (۱۳۸۴) درمقایسه عوامل امید به زندگی در افراد ۶۰-۲۰ ساله شهر اصفهان نشان داد که بین نمرات کل میانگین عوامل مؤثر بر امید به زندگی و زیرمقیاس‌های آن با گروه‌های سنی مختلف تفاوت معناداری وجود دارد و از جمله عوامل مؤثر بر امید به زندگی می‌توان نوع تغذیه و بهداشت و آموزش‌های سازنده ایجاد حس مفید بودن داشتن حرفه یا تخصص در افراد اشاره نمود.

مهربانی (۱۳۸۷) در بررسی تأثیر آموزش بر فقر و نابرابری درآمدها، نشان داد که آموزش از سطح فقر و نابرابری درآمدها می‌کاهد.

خالدی (۱۳۸۷) در ارزیابی اثربخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای هنرستان‌ها و دوره‌های علمی و کاربردی به تفکیک خصوصی و دولتی در اشتغال مؤسسه کار و تامین اجتماعی، نشان داد که آموزش‌های داده شده توسط سازمان فنی و حرفه‌ای توانسته است برای ۱۸/۵ درصد از فراگیران بیکار ایجاد اشتغال کند. در حالت کلی فنی و حرفه‌ای نسبت به آموزش‌های رسمی از نظر تأثیر بر توانمندسازی شغلی مزیت دارند و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای دارای موفقیت بیشتری در ایجاد رضایت و مطلوبیت در فراگیران دارد.

احمدی و همکاران (۱۳۸۹) در بررسی تأثیر مهارت‌آموزی عملی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی علوم انسانی بر احتمال اشتغال آنان نشان داد که ۵۲،۵ درصد فارغ‌التحصیلان شاغل و ۴۷،۵ درصد از فارغ‌التحصیلان بیکار بودند. اما نتایج تحلیلی تحقیق نشان داد میانگین نمرات دروس مهارتی فارغ‌التحصیلان شاغل به طور معناداری بیش‌تر از فارغ‌التحصیلان غیرشاغل است و تبیین احتمال اشتغال فارغ‌التحصیلان بر حسب نمرات دروس مهارت‌آموزی عملی، با استفاده از تحلیل

رگرسیون لجستیک نشان داد مهارت‌آموزی عملی، احتمال اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی رشته جامعه‌شناسی را تقریباً دو برابر می‌کند.

کریمی‌موغاری و همکاران (۱۳۹۰) در مقایسه شاخص‌های توسعه انسانی در ایران و ترکیه از ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۹، نشان دادند که اگر چه شاخص‌های توسعه انسانی در ایران طی سی سال گذشته رشد قابل توجهی داشته و شاخص‌های امید به زندگی و آموزش و درآمد سرانه سیر صعودی داشته است اما با توجه به آهنگ سریع توسعه در سایر کشورها از جمله کشور همسایه ترکیه افزایش قابل توجهی در رتبه کلی کشور رخ نداده است. با توجه به پتانسیل‌های موجود در ایران، امکان تحقق اهداف چشم‌انداز وجود دارد. ولی برای تحقق آن نیاز به همفکری و همدلی و مدیریت صحیح و بسیج تمام منابع کشور است.

نتایج پژوهش احمدلو و همکاران (۱۳۹۰) در بررسی اثربخشی آموزش‌های مهارتی فنی و حرفه‌ای در راستای نیاز بازار کار استان مرکزی، حاکی از آن است که نرخ اشتغال مهارت‌جویان ۱۰ درصد بوده و دوره‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای اجرا شده از اثربخشی کمی برخوردار بودند.

سیددوست (۱۳۹۱) در مطالعه تطبیقی شاخص‌های توانمندسازی نیروی کار بر اساس مدل آلن و مایر در توسعه منابع انسانی در شرکت ملی نفت ایران و شرکت پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران، نتایج حاکی از آن است که تفاوت معناداری میان توانمندسازی و توسعه منابع انسانی شرکت ملی نفت و شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده نفتی ایران وجود دارد. شرکت ملی نفت در زمینه شاخص آموزش، غنی‌سازی شغل و مشارکت در مهارت‌های فنی موفق‌تر عمل نموده است و شرکت پخش فرآورده در شاخص سبک مدیریت موفقیت بیشتری کسب کرده است.

ثابتی و همکاران (۱۳۹۱) در مقایسه آسیب‌های اجتماعی ناشی از فقر افراد فاقد مهارت و افراد دارای مهارت، نشان داد که بین وضعیت مهارت‌آموزی افراد و وقوع جرم ناشی از فقر و بیکاری و سایر آسیب‌های اجتماعی رابطه وجود دارد، به طوری که با بالا رفتن دانش مهارتی افراد در حرفه‌های مختلف، میزان وقوع آسیب‌های اجتماعی آنان نیز کمتر می‌شود. همچنین مشاهده شد که در بین افراد فاقد مهارت میزان آسیب‌های اجتماعی بیش‌تر است.

جمشیدی‌گوهرریزی و همکاران (۱۳۹۱) در بررسی تأثیر مهارت‌آموزی و آموزش در کارآفرینی و توسعه اقتصادی مناطق روستایی استان کرمان، نشان دادند که دوره‌های برگزار شده باعث کاهش تفاوت و شکاف موجود بین خانوارهای شهری و روستایی، صرفه‌جویی در هزینه‌های تولید محصولات زراعی و دامی، بهبود وضعیت سواد و بهداشت خانواده، کاهش مهاجرت به شهرها و افزایش سرمایه‌گذاری‌ها و پس‌اندازهای محلی از طریق ایجاد تجارت‌های کوچک شده است.

نتایج حاصل از پژوهش سوهاتو^۱ (۱۹۹۰) در پژوهشی با عنوان "فقر و عوامل مؤثر بر آن در پاناما"، نشان داد که از عوامل مهم تأثیرگذار بر فقر خانوارهای جامعه، ساختار درآمدی، سطح آموزش، وضعیت مسکن، وضعیت باروری و وضعیت اشتغال می‌باشد.

گازوانی^۲ و گواید^۳ (۲۰۰۱) در پژوهشی با عنوان "تعیین‌کننده‌های فقر شهری و روستایی در تونس" نشان دادند که در هر دو منطقه شهری و روستایی عوامل اصلی اثرگذار بر فقر شامل آموزش، نسبت وابستگی فرزند، نسبت شاغلین زن و مرد در خانواده هستند.

نتایج حاصل از پژوهش اوکورات^۴ و همکاران (۲۰۰۲) در پژوهشی با عنوان "تعیین‌کننده‌های فقر منطقه‌ای در اوگاندا" نشان داد که سطح برخورداری از آموزش، اندازه خانوار و وضعیت مهاجرت از عوامل تأثیرگذار بر فقر خانوار به شمار می‌روند.

گوانی^۵ (۲۰۰۵) در بررسی آموزش شهروندان و تأثیر آن در بهبود شرایط زندگی و کاهش فقر در سیدنی، نشان داد بین آموزش مهارت‌های زندگی و بهبود شرایط زندگی ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد. همچنین افرادی که دوره‌های عملی و کاربردی در حیطه کاری خود دیده بودند از شرایط زندگی بهتر و رفاه اجتماعی بالاتر و کاهش ملموس فقر مادی و فرهنگی برخوردار گردیده‌اند.

نتایج پژوهش موک^۶ و همکاران (۲۰۰۷) در بررسی عوامل مؤثر بر عزت نفس و امید به زندگی در مالزی، نشان داد که آموزش مهارت‌های کاربردی، افزایش و بهبود رفاه اجتماعی و الگوی صحیح زندگی دارای تأثیر زیادی در افزایش عزت نفس و امید به زندگی است و در مرحله بعد داشتن مهارت و فن، محل زندگی مناسب، دوستان و نزدیکان با نگرش مثبت دارای تأثیر می‌باشد.

اسمیت^۷ و کامین^۸ (۲۰۰۷) در بررسی عوامل مؤثر بر توسعه مهارت‌ها و قابلیت‌ها در کارگران تازه‌کار در استرالیا، نشان داد که جهت توسعه مهارت‌ها و قابلیت‌ها در نیروی تازه‌کار هشت مهارت کلیدی باید آموزش داده شود که عبارتند از: مهارت ایجادارتباط، کارگروهی، قدرت حل مسأله، ابتکار و خلاقیت، برنامه‌ریزی و سازماندهی، خود مدیریتی و کاربرد آموزش در کار و یادگیری.

¹-Souhato

²-Ghazouani

³-Goaied

⁴-Okurut

⁵-Goani

⁶-Mok

⁷-Smith

⁸-Komin

مالیک^۱ (۲۰۰۸) در پژوهشی با عنوان "بررسی عوامل مؤثر بر بیکاری در روستاهای پاکستان" به این نتایج دست یافت: خانوارهایی که دارای مالکیت زمین بیشتر، نرخ وابستگی کمتر، و سطح آموزش کاربردی بالاتر هستند به احتمال قوی خارج دایره بیکاری ناشی از نداشتن مهارت قرار می‌گیرند.

اسپرینگ^۲ (۲۰۰۹) در بررسی نیازهای آموزشی و عوامل مؤثر در توسعه در صنعت کشور استرالیا نشان داد که کمتر از پنجاه درصد عوامل توسعه ناشی از کار، سرمایه و زمین است و بقیه حاصل عوامل کیفی یعنی نیروی انسانی آموزش دیده می‌باشد.

آچیا^۳ و همکاران (۲۰۱۰) نیز نشان داد که افزایش آموزش‌های کاربردی مورد نیاز بازار کار اثر مهمی را روی احتمال خروج از بیکاری دارد. هم‌چنین برای یک خانوار روستایی احتمال بیکاری بیش از یک خانوار شهری است. یکی از دلایل اختلاف داشتن شغل در شهر و روستا را می‌توان عدم‌دستیابی به آموزش‌های لازم برای استفاده از امکانات پیشرفته امروزی دانست. با توجه به آنچه گفته شد، تحقیق حاضر به دنبال سنجش تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر شاخص توسعه انسانی از طریق آزمون فرضیه‌های زیر است.

- ۱) آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر شاخص بیکاری کارآموزان آموزشگاه‌های آزاد استان البرز تأثیر دارد.
- ۲) آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر شاخص فقر کارآموزان آموزشگاه‌های آزاد استان البرز تأثیر دارد.
- ۳) آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر شاخص بهبود شرایط زندگی کارآموزان آموزشگاه‌های آزاد استان البرز تأثیر دارد.
- ۴) آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر شاخص امید به زندگی کارآموزان آموزشگاه‌های آزاد استان البرز تأثیر دارد.
- ۵) آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر شاخص سلامت روان کارآموزان آموزشگاه‌های آزاد استان البرز تأثیر دارد.
- ۶) آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر شاخص توانمندسازی کارآموزان آموزشگاه‌های آزاد استان البرز تأثیر دارد.
- ۷) آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر شاخص توسعه انسانی در کارآموزان آموزشگاه‌های آزاد استان البرز تأثیر دارد.

^۱-Malik

^۲-Spring

^۳-Achia

۲- روش تحقیق

هدف پژوهش حاضر تعیین تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر شاخص‌های توسعه انسانی می‌باشد. روش پژوهش از نوع شبه‌آزمایشی، تک‌گروهی با پیش‌آزمون و پس‌آزمون بوده و جامعه آماری این پژوهش ۳۰ آموزشگاه آزاد فنی و حرفه‌ای با تعداد ۳۸۰۰ نفر کارآموز که در سه ماهه چهارم سال ۱۳۹۱ در این آموزشگاه‌ها ثبت نام نموده بودند. تعداد نمونه‌ها ۲۴۶ نفر (۱۲۳ نفر زن و ۱۲۳ نفر مرد) به صورت تصادفی بر اساس جدول تعیین حجم نمونه مورگان، انتخاب گردیده و روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی خوشه‌ای انجام گرفت. ابزار اندازه‌گیری، پرسشنامه محقق‌ساخته که بر اساس مقیاس لیکرت تنظیم گردید. این پرسشنامه دارای ۳۰ سؤال است و ابعاد شاخص توسعه انسانی شامل: توانمندسازی، میزان بیکاری و فقر و امید به زندگی، سلامت روان و بهبود شرایط زندگی است، را مورد سنجش قرار داده است. روایی محتوایی و صوری پرسشنامه توسط ۳۰ نفر از صاحب‌نظران تأیید و پایایی آن نیز از طریق آلفای کرونباخ محاسبه و ضریب آلفای پرسشنامه ۰,۸۵ به دست آمد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش آمارهای توصیفی از میانگین و انحراف استاندارد استفاده شد. همچنین برای اطمینان از نرمال بودن داده‌ها از آزمون $K-S$ (کولموگروف- اسمیرنوف) استفاده شد. در بخش آمار استنباطی به منظور مقایسه میانگین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون، از آزمون t زوجی استفاده شده است.

۳- یافته‌های پژوهش

فرضیه ۱: آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر میزان شاخص بیکاری کارآموزان آموزشگاه آزاد استان البرز تأثیر دارد.

جدول ۱- نتایج آزمون t برای تعیین تأثیر آموزش‌ها بر شاخص بیکاری در دو گروه پیش‌آزمون و پس‌آزمون

نوع آزمون	متغیر مورد پژوهش	تعداد	میانگین	انحراف معیار	نسبت t	درجه آزادی	سطح معناداری
پیش‌آزمون	بیکاری	۲۴۶	۱۵,۲۳	۲,۷۳	۴,۸۲	۴۳۸	۰,۰۰۱
پس‌آزمون	بیکاری	۲۴۶	۱۲,۰۵	۱,۱۲			

منبع: (محاسبات نگارندگان)

نتایج مندرج در جدول ۱ نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری تفاوت نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون کوچکتر از ۰/۰۱ است. به عبارتی دیگر با اطمینان ۹۹ درصد بین نمرات کارآموزان، قبل و بعد از آموزش تفاوت معناداری وجود دارد. در نتیجه، میانگین پس‌آزمون شاخص بیکاری

به صورت معنادار کوچکتر از میانگین پیش‌آزمون شاخص بیکاری است. بنابراین می‌توان گفت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر کاهش میزان بیکاری کارآموزان مؤثر است.

فرضیه ۲: آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر میزان شاخص فقر کارآموزان آموزشگاه آزاد استان البرز تأثیر دارد.

جدول ۲- نتایج آزمون t برای تعیین تأثیر آموزش‌ها بر شاخص فقر در دو گروه پیش‌آزمون و پس‌آزمون

نوع آزمون	متغیر مورد پژوهش	تعداد	میانگین	انحراف معیار	نسبت t	درجه آزادی	سطح معناداری
پیش‌آزمون	فقر	۲۴۶	۱۴,۵۸	۲,۰۱	۳,۶۸	۴۳۸	۰,۰۰۱
پس‌آزمون	فقر	۲۴۶	۱۳,۰۲	۱,۹۹			

منبع: (محاسبات نگارندگان)

نتایج مندرج در جدول ۲ نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری تفاوت نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون کوچکتر از ۰/۰۱ است. به عبارتی دیگر با اطمینان ۹۹٪ بین نمرات کارآموزان، قبل و بعد از آموزش تفاوت معناداری وجود دارد. در نتیجه، میانگین پس‌آزمون شاخص فقر به صورت معنادار کوچکتر از میانگین پیش‌آزمون شاخص فقر است. بنابراین می‌توان گفت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر کاهش میزان فقر کارآموزان مؤثر است.

فرضیه ۳: آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر شاخص بهبود شرایط زندگی کارآموزان آموزشگاه آزاد استان البرز تأثیر دارد.

جدول ۳- نتایج آزمون t برای تعیین تأثیر آموزش‌ها بر شاخص بهبود شرایط زندگی در دو گروه پیش‌آزمون و پس‌آزمون

نوع آزمون	متغیر مورد پژوهش	تعداد	میانگین	انحراف معیار	نسبت t	درجه آزادی	سطح معناداری
پیش‌آزمون	بهبود شرایط زندگی	۲۴۶	۱۶,۰۲	۴,۰۵	۵,۳۹	۴۳۸	۰,۰۰۱
پس‌آزمون	بهبود شرایط زندگی	۲۴۶	۱۸,۰۷	۴,۶۰۵			

منبع: (محاسبات نگارندگان)

نتایج مندرج در جدول ۳ نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری تفاوت نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون کوچکتر از ۰/۰۱ است. به عبارتی دیگر با اطمینان ۹۹٪ بین نمرات کارآموزان، قبل و

بعد از آموزش تفاوت معناداری وجود دارد. در نتیجه، میانگین پس‌آزمون شاخص بهبود شرایط زندگی به صورت معنادار بزرگتر از میانگین پیش‌آزمون شاخص بهبود شرایط زندگی است. بنابراین می‌توان گفت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر بهبود شرایط زندگی کارآموزان مؤثر است.

فرضیه ۴: آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر شاخص امید به زندگی کارآموزان آموزشگاه آزاد استان البرز تأثیر دارد.

جدول ۴- نتایج آزمون t برای تعیین تأثیر آموزش‌ها بر شاخص امید به زندگی در دو گروه پیش‌آزمون و

پس‌آزمون

نوع آزمون	متغیر مورد پژوهش	تعداد	میانگین	انحراف معیار	نسبت t	درجه آزادی	سطح معناداری
پیش‌آزمون	امید به زندگی	۲۴۶	۱۴,۶۷	۴,۱	۵,۵۶	۴۳۸	۰,۰۰۱
پس‌آزمون	امید به زندگی	۲۴۶	۱۷,۲۱	۴,۵۳			

منبع: (محاسبات نگارندگان)

نتایج مندرج در جدول ۴ نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری تفاوت نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون کوچکتر از ۰/۰۱ است. به عبارتی دیگر با اطمینان ۹۹٪ بین نمرات کارآموزان، قبل و بعد از آموزش تفاوت معناداری وجود دارد. در نتیجه، میانگین پس‌آزمون شاخص امید به زندگی به صورت معنادار بزرگتر از میانگین پیش‌آزمون شاخص امید به زندگی است. بنابراین می‌توان گفت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر بهبود شاخص امید به زندگی کارآموزان مؤثر است.

فرضیه ۵: آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر شاخص سلامت روان کارآموزان آموزشگاه آزاد استان البرز تأثیر دارد.

جدول ۵- نتایج آزمون t برای تعیین تأثیر آموزش‌ها بر شاخص سلامت روان در دو گروه پیش‌آزمون و

پس‌آزمون

نوع آزمون	متغیر مورد پژوهش	تعداد	میانگین	انحراف معیار	نسبت t	درجه آزادی	سطح معناداری
پیش‌آزمون	سلامت روان	۲۴۶	۱۵,۳۷	۳,۴۳	۶,۱۲	۴۳۸	۰,۰۰۱
پس‌آزمون	سلامت روان	۲۴۶	۱۸,۷۴	۳,۷۴			

منبع: (محاسبات نگارندگان)

نتایج مندرج در جدول ۵ نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری تفاوت نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون کوچکتر از ۰/۰۱ است. به عبارتی دیگر با اطمینان ۹۹٪ بین نمرات کارآموزان، قبل و بعد از آموزش تفاوت معناداری وجود دارد. در نتیجه، میانگین پس‌آزمون شاخص سلامت روان به صورت معنادار بزرگتر از میانگین پیش‌آزمون شاخص سلامت روان کارآموزان است. بنابراین می‌توان گفت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر شاخص سلامت روان کارآموزان مؤثر است.

فرضیه ۶: آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر شاخص توانمندسازی کارآموزان آموزشگاه آزاد استان البرز تأثیر دارد.

جدول ۶- نتایج آزمون t برای تعیین تأثیر آموزش‌ها بر شاخص توانمندسازی در دو گروه پیش‌آزمون و پس‌آزمون

نوع آزمون	متغیر مورد پژوهش	تعداد	میانگین	انحراف معیار	نسبت t	درجه آزادی	سطح معناداری
پیش‌آزمون	توانمندسازی	۲۴۶	۱۲,۵۲	۲,۰۱	۵,۴۲	۴۳۸	۰,۰۰۱
پس‌آزمون	توانمندسازی	۲۴۶	۱۶,۳۳	۳,۰۲			

منبع: (محاسبات نگارندگان)

نتایج مندرج در جدول ۶ نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری تفاوت نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون کوچکتر از ۰/۰۱ است. به عبارتی دیگر با اطمینان ۹۹٪ بین نمرات کارآموزان، قبل و بعد از آموزش تفاوت معناداری وجود دارد. در نتیجه، میانگین پس‌آزمون شاخص توانمندسازی به صورت معنادار بزرگتر از میانگین پیش‌آزمون شاخص توانمندسازی کارآموزان است. بنابراین می‌توان گفت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر شاخص توانمندسازی کارآموزان مؤثر است.

فرضیه ۷: آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر شاخص توسعه انسانی کارآموزان آموزشگاه آزاد استان البرز تأثیر دارد.

جدول ۷- نتایج آزمون t برای تعیین تأثیر آموزش‌ها بر شاخص توسعه انسانی در دو گروه پیش‌آزمون و پس‌آزمون

نوع آزمون	متغیر مورد پژوهش	تعداد	میانگین	انحراف معیار	نسبت t	درجه آزادی	سطح معناداری
پیش‌آزمون	توسعه انسانی	۲۴۶	۱۴,۷۳	۲,۱۱	۵,۹۸	۴۳۸	۰,۰۰۱
پس‌آزمون	توسعه انسانی	۲۴۶	۱۶,۰۱	۳,۱۲			

منبع: (محاسبات نگارندگان)

نتایج مندرج در جدول ۷ نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری تفاوت نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون کوچکتر از ۰/۰۱ است. به عبارتی دیگر با اطمینان ۹۹٪ بین نمرات کارآموزان، قبل و بعد از آموزش تفاوت معناداری وجود دارد. در نتیجه، میانگین پس‌آزمون شاخص توسعه انسانی به صورت معنادار بزرگتر از میانگین پیش‌آزمون شاخص توسعه انسانی کارآموزان است. بنابراین می‌توان گفت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر بهبود شاخص توسعه انسانی کارآموزان مؤثر است.

آیا بین تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر مؤلفه‌های شاخص توسعه انسانی در زنان و مردان آموزشگاه‌های آزاد استان البرز تفاوت وجود دارد؟

جدول ۸ - نتایج آزمون t برای تعیین تأثیر آموزش‌ها بر شاخص توسعه انسانی در دو گروه زنان و مردان

زنان		مردان		متغیر/تعداد	
درجه آزادی	آزمون t	درجه آزادی	آزمون t		
۲۱۸	۴,۸۲	۲۱۸	۵,۲۱	۲۴۶	بیکاری
۲۱۸	۳,۶۸	۲۱۸	۴,۶۸	۲۴۶	فقر
۲۱۸	۴,۹۵	۲۱۸	۵,۱۲	۲۴۶	بهبود شرایط زندگی
۲۱۸	۴,۹۸	۲۱۸	۶,۰۲	۲۴۶	امید به زندگی
۲۱۸	۵,۱۳	۲۱۸	۶,۹۴	۲۴۶	سلامت روان
۲۱۸	۵,۹۸	۲۱۸	۴,۱۸	۲۴۶	توانمندسازی

منبع:

(محاسبات نگارندگان)

داده‌های مندرج در جدول ۸ نشان می‌دهد که اثر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر مؤلفه‌های شاخص توسعه انسانی در زنان و مردان تفاوت وجود دارد و در تمامی مؤلفه‌ها به جز مؤلفه توانمندسازی تأثیر آموزش‌های فوق در مردان بیشتر از زنان بوده است.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

نتایج فرضیه اول تحقیق حاضر نشان داد که، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر کاهش میزان بیکاری مؤثر است. نتایج پژوهش‌های قبلی به شرح زیر هم مؤید این امر است: عزیزی و رزمی (۱۳۸۲) نشان دادند که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر کاهش میزان بیکاری مؤثر است. اردشیری، کریمی و اشرفی‌بیرگانی (۱۳۸۲-۱۳۸۳) نشان دادند رابطه بین شغل افراد و مهارت آنها در حد زیاد است. سیفیه (۱۳۸۴) نشان داد که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه و

خوداشتغالی مؤثر است. احمدی و امیری (۱۳۸۹) نشان دادند که مهارت‌آموزی عملی، احتمال اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی رشته جامعه‌شناسی را تقریباً دو برابر می‌کند. مالیک (۲۰۰۸) به این نتایج دست یافت: خانواده‌هایی که در سطح آموزش کاربردی بالاتر هستند به احتمال قوی خارج دایره بیکاری ناشی از نداشتن مهارت قرار می‌گیرند. آچیا و همکاران (۲۰۱۰) نیز نشان دادند که افزایش آموزش‌های کاربردی مورد نیاز بازار کار اثر مهمی بر احتمال خروج از بیکاری دارد.

نتایج فرضیه دوم تحقیق حاضر نشان داد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر کاهش میزان فقر مؤثر است. نتایج پژوهش‌های قبلی به شرح زیر هم مؤید این امر است: عزیزی و رزمی (۱۳۸۲) نشان دادند که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر کاهش میزان فقر مؤثر است. مهربانی (۱۳۸۷) نشان داد که نرخ ثبت‌نام در مقطع دبیرستان دارای رابطه معکوس و معنادار با فقر و نابرابری درآمدهاست و دوره‌های آموزشی کاربردی کوتاه‌مدت نیز از سطح فقر و نابرابری درآمدها به طرز معناداری کاسته است. ثابتی و همکاران (۱۳۹۱) نشان داد که بین وضعیت مهارت‌آموزی افراد و وقوع جرم ناشی از فقر و سایر آسیب‌های اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد. سوهاتو نشان داد که از عوامل مهم تأثیرگذار بر فقر خانوارهای جامعه، سطح آموزش، وضعیت مسکن و وضعیت اشتغال می‌باشد (نجفی و شوشتریان، ۱۳۸۶). گازوانی و گواید (۲۰۰۱) نشان دادند که در هر دو منطقه شهری و روستایی عوامل اصلی اثرگذار بر فقر شامل آموزش، نسبت وابستگی فرزندان، نسبت شاغلین زن و مرد در خانواده هستند. اوکورات و همکاران (۲۰۰۲) نشان دادند که سطح برخورداری از آموزش، اندازه خانوار و وضعیت مهاجرت از عوامل تأثیرگذار بر فقر خانوار به شمار می‌روند. گوانی (۲۰۰۵) نشان داد افرادی که آموزش دوره‌های عملی و کاربردی در حیطه کاری خود دیده بودند از کاهش ملموس فقر مادی و فرهنگی برخوردار گردیده‌اند.

نتایج فرضیه سوم تحقیق حاضر نشان داد که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر بهبود شرایط زندگی مؤثر است. این بدان معنی است که با آموزش دوره‌های فنی و حرفه‌ای می‌توان شاخص بهبود شرایط زندگی را افزایش داد. نتایج پژوهش‌های قبلی به شرح زیر هم مؤید این امر است: عزیزی و رزمی (۱۳۸۲) نشان دادند که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌تواند به بهتر شدن و افزایش رفاه اجتماعی منجر گردد. خالدی (۱۳۸۷) نشان داد که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ایجاد رفاه اجتماعی مؤثر است و جمشیدی‌گوهرریزی و پورکیانی (۱۳۹۱) نشان دادند آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به بهبود وضعیت سواد و بهداشت خانواده و افزایش سرمایه‌گذاری‌ها و پس‌اندازهای محلی از طریق ایجاد تجارت‌های کوچک منجر گردیده است. گوانی^۱ (۲۰۰۵)

^۱-Goani

نشان داد بین آموزش مهارت‌های زندگی و بهبود شرایط زندگی ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد. همچنین افرادی که دوره‌های عملی و کاربردی در حیطه کاری خود دیده بودند هم از شرایط زندگی بهتر و رفاه اجتماعی بالاتری برخوردار گردیده‌اند.

نتایج فرضیه چهارم تحقیق حاضر نشان داد که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر بهبود شاخص امید به زندگی مؤثر است. نتایج پژوهش‌های قبلی به شرح زیر هم مؤید این امر است: شهرابی و همکاران (۱۳۸۳) نشان دادند که آموزش‌های کارگاهی و ضمن کار در صنایع باعث افزایش رضایت شغلی، کاهش غیبت و بهبود کار کارکنان شده است. روح‌الامین (۱۳۸۴) نشان داد که عوامل مؤثر بر امید به زندگی شامل: نوع تغذیه و بهداشت و آموزش‌های سازنده ایجاد حس مفید بودن داشتن حرفه یا تخصص می‌باشد. خالدی (۱۳۸۷) نتیجه گرفت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای دارای موفقیت بیشتری در ایجاد رضایت و مطلوبیت در فراگیران دارد. موک و همکاران (۲۰۰۷) نشان دادند که عوامل مؤثر بر عزت‌نفس و امید به زندگی عبارتند از: الگوی صحیح زندگی، داشتن مهارت و فن، محل زندگی مناسب، دوستان و نزدیکان با نگرش مثبت است.

نتایج فرضیه پنجم تحقیق حاضر نشان داد که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر افزایش سلامت روان مؤثر است و این بدان معنی است که با آموزش دوره‌های فنی و حرفه‌ای می‌توان شاخص سلامت روان را افزایش داد. نتایج پژوهش‌های قبلی به شرح زیر هم مؤید این امر است: جمشیدی‌گوهرریزی و پورکیانی (۱۳۹۱) نشان دادند که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای باعث ایجاد نگرش مثبت و کاهش نگرانی و اضطراب در افراد شده است. گوانی (۲۰۰۵) نشان داد که آموزش شهروندان بر بهبود شرایط زندگی و کاهش فقر مؤثر است. موک و همکاران (۲۰۰۷) نیز نشان داد که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر عزت‌نفس و امید به زندگی مؤثر است.

نتایج فرضیه ششم تحقیق حاضر نشان داد که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر افزایش توانمندسازی کارآموزان مؤثر است. نتایج پژوهش‌های قبلی به شرح زیر هم مؤید این امر است: اردشیری، کریمی و اشرفی‌بیرگانی (۱۳۸۳) نشان دادند رابطه بین شغل افراد و مهارت آنها در حد زیاد و خیلی زیاد بوده است. حسینی (۱۳۸۴) نشان داد که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای باعث افزایش تخصص و آگاهی شغلی افراد شده، به ایجاد روحیه قوی و افزایش حس مسئولیت‌پذیری و همچنین باعث ایجاد و رشد خلاقیت و نوآوری می‌گردد. خالدی (۱۳۸۷) نشان داد که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نسبت به آموزش‌های رسمی از نظر تأثیر بر توانمندسازی شغلی مزیت دارند. سیددوست (۱۳۹۱) نشان داد که تفاوت معناداری میان توانمندسازی و توسعه منابع انسانی وجود دارد. جمشیدی‌گوهرریزی و پورکیانی (۱۳۹۱) نشان دادند که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای باعث کاهش تفاوت و شکاف موجود بین خانوارهای شهری و روستایی در توانایی‌های شغلی و مهارت‌ها و قابلیت‌های کاری انجامیده است. اسمیت و کامین (۲۰۰۷) نشان

داد که جهت توسعه مهارت‌ها و قابلیت‌ها در نیروی تازه کار هشت مهارت کلیدی باید آموزش داده شود که عبارتند از: مهارت ایجاد ارتباط، کار گروهی، قدرت حل مسأله، ابتکار و خلاقیت، برنامه‌ریزی و سازماندهی، خودمدیریتی و کاربرد آموزش در کار و یادگیری است.

بنابراین در عصر دانش و اطلاعات سرمایه‌های هر کشوری انسان‌های توانمند و با انگیزه و پر نشاط که بتوانند در رهگذر سختی‌ها به خود و افراد جامعه خود در تمامی عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کمک نمایند ضروری است. شاخص توسعه انسانی از مهم‌ترین شاخص‌هایی است که نشان‌دهنده توسعه‌یافتگی یک کشور در بحث سرمایه انسانی می‌باشد. لذا مدیران سازمان فنی و حرفه‌ای در تمامی سطوح کاری می‌توانند با مطالعه دقیق پژوهش‌های انجام شده در زمینه متغیرهای مذکور و تأثیر آموزش‌های سازمان بر شاخص توسعه انسانی پرداخته و با خطمشی‌ها و برنامه‌ریزی‌های مناسب، موجبات موفقیت این نوع آموزش‌ها را در تمامی عرصه‌ها فراهم سازند و در نهایت جهت بهبود شاخص‌های توسعه انسانی پیشنهادات کاربردی زیر ارایه می‌گردد:

- استفاده از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای جهت کاهش میزان بیکاری و فقر در جامعه.
- بهره‌گیری از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای جهت بهبود شرایط زندگی و بهبود شاخص امید به زندگی شهروندان.
- توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در مورد اشتغال زنان شهری و روستایی.
- استفاده از مربیان ماهر و متخصص در تدریس دروس مهارتی و فنی.
- فراهم کردن زمینه کاربرد تکنولوژی‌های آموزشی، رسانه‌ها و روش‌های متنوع و نوین در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای.
- بهره‌گیری از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در جهت افزایش سلامت روان و توانمندسازی شهروندان.

۵- منابع

- احمدلو، محبوبه و عابدی‌منفرد، رضا. (۱۳۹۰). بررسی اثر بخشی آموزش‌های مهارتی فنی و حرفه‌ای در راستای نیاز بازار کار استان مرکزی. *ماهنامه کار و اقتصاد*، شماره ۷، صص ۳۳-۳۶.
- احمدی، سیروس و امیری، راضیه. (۱۳۸۹). تأثیر مهارت‌آموزی عملی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی علوم انسانی بر احتمال اشتغال آنان (مطالعه موردی فارغ‌التحصیلان رشته جامعه‌شناسی دانشگاه یاسوج). *مجله پژوهشی سازمان فنی و حرفه‌ای یاسوج*، شماره ۲۳، صص ۳۹-۴۴.
- اردشیری، عزت‌اله؛ کریمی، اسماء و اشرفی‌بیرگانی، صباح. (۱۳۸۳-۱۳۸۲). *بررسی میزان اثربخشی دوره‌های آموزشی طرح ۱۸ ماهه ایران و آلمان در کسب مهارت‌های فنی لازم اشتغال در شهر شیراز*. شیراز: سازمان فنی و حرفه‌ای.

- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۴). *جامعه شناسی توسعه*. تهران: کیهان.
- اسماعیلی، مجید. (۱۳۸۶). مؤلفه‌های بهبود شرایط زندگی و زندگی مناسب. *ماهنامه الکترونیکی نور*، شماره دوازده، صص ۲۳-۲۷.
- پرنده، کورش و دیگران. (۱۳۹۰). *سند راهبردی مهارت و فناوری سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور*. تهران: سازمان فنی و حرفه‌ای کشور.
- پورمقدس، علی. (۱۳۶۷). *روان شناسی سازگاری*. اصفهان: مؤسسه مشعل.
- ثابتی، مریم و همکاران. (۱۳۹۱). مقایسه آسیب‌های اجتماعی ناشی از فقر افراد فاقد مهارت و افراد دارای مهارت (استان البرز). *فصلنامه پژوهشی فن سازمان فنی و حرفه‌ای استان البرز*، شماره ۸، صص ۲۱-۲۶.
- جمشیدی‌گوهرریزی، مهدی و پورکیانی، مسعود. (۱۳۹۱). تأثیر مهارت‌آموزی و آموزش در کارآفرینی و توسعه اقتصادی مناطق روستایی استان کرمان. *مجله فنی اداره پژوهش فنی و حرفه‌ای کرمان*، شماره ۱۲، صص ۴۲-۴۸.
- حسینی، سالار. (۱۳۸۴). *بررسی تأثیر گذراندن دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای غیررسمی کوتاه مدت بر عملکرد مربیان استان تهران*. تهران: سازمان فنی و حرفه‌ای.
- خالدی، محمد. (۱۳۸۷). ارزیابی اثربخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای هنرستان‌ها و دوره‌های علمی و کاربردی به تفکیک خصوصی و دولتی در اشتغال موسسه کار و تامین اجتماعی. *ماهنامه موسسه کار و تامین اجتماعی*، شماره دهم، صص ۱۲-۱۸.
- دریانی، محمود. (۱۳۸۸). *کارآفرینی*. تهران: پردیس، چاپ دوازدهم.
- رزینینی، محمود. (۱۳۹۰). بهداشت روان و عوامل مؤثر بر آن. *فصلنامه سلامت*، شماره ۱۵، صص ۲۳-۱۷.
- روح‌الامین، مریم. (۱۳۸۴). مقایسه عوامل امید به زندگی در افراد ۶۰-۲۰ ساله شهر اصفهان. *پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان*.
- سوهاتو، شونگ. (۱۹۹۰). برآورد خط فقر و اندازه فقر و بررسی عوامل مؤثر بر آن. ترجمه: بهالدین نجفی و آشان شوشتریان. (۱۳۸۶). *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، شماره ۵۹، صص ۲۶-۳۱.
- سیددوست، سارا. (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی شاخص‌های توانمندسازی نیروی کار بر اساس مدل آلن و مایر در توسعه منابع انسانی در شرکت ملی نفت ایران و شرکت پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران، *ماهنامه کار و جامعه*، شماره ۱۴، صص ۱۸-۲۴.
- سیفیه، آریتا. (۱۳۸۴). بررسی نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه و خود اشتغالی در شهر تهران. *ماهنامه کار و جامعه*، شماره ۱۸، صص ۲۰-۲۵.
- شعبان پور، غلامرضا. (۱۳۹۰). آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ضرورت اشتغال. *مجله الکترونیکی سیلیونیکا*، شماره ۸، صص ۳-۷.
- شهرابی، مجید و همکاران. (۱۳۸۳). بررسی آموزش‌های کارگاهی و ضمن کار و افزایش اثربخشی در صنایع تهران. *آموزشی صنعت خودرو*. شماره ۶، صص ۴۲-۴۷.
- عزیزی، عزیزاله. (۱۳۸۴). نقش و عملکرد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کمیته امداد بر اشتغال و خوداتکایی خانواده‌های تحت پوشش کمیته امداد امام (ره) استان تهران. *پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز*.
- عزیزی، علیرضا و رزمی، محمد. (۱۳۸۲). بررسی و تعیین نیازهای آموزشی، مهارتی در بخش‌های صنعت، خدمات و کشاورزی استان اردبیل. *ماهنامه اقتصاد و جامعه*، شماره ۴، صص ۱۱-۱۶.

کریمی‌موغاری، زهرا و عباسپور، سحر. (۱۳۹۰). مقایسه شاخص‌های توسعه انسانی در ایران و ترکیه از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۹. *فصلنامه پژوهشی اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۸، صص ۲۳-۳۱.

کمیحانی، اکبر و باقرزاده، علی. (۱۳۸۹). تحلیل رابطه بین سرمایه انسانی، تحقیق و توسعه مناطق روستایی ایران. *فصلنامه علمی - پژوهشی علوم اجتماعی- توسعه روستایی*، شماره ۲، صص ۱۵-۲۱.

موسوی‌نیک، محسن؛ اورعی‌یزدانی، بدرالدین و جنگی‌زهی، مجید. (۱۳۹۱). نگاهی به آموزش، بهسازی و تأثیر آن بر توسعه منابع انسانی در صنعت. *ماهنامه علمی- تخصصی فن‌آوری سیمان*، شماره ۵۲، صص ۸-۱۵.

مهربانی، وحید. (۱۳۸۷). تأثیر آموزش بر فقر و نابرابری درآمد. *تحقیقات اقتصادی*، شماره ۸۲، صص ۲۲-۲۹.

هولینشید، بتی. (۱۳۸۵). *روندهای توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای*. ترجمه: ابوالقاسم ملکی‌شمس‌آبادی. تهران: کمیسیون ملی یونسکو در ایران و دفتر مرکز آموزش عالی جهاد.

- Achia, T. N., Wangombe, A., & Khadioli, N. (2010). A Logistic Regression Model to Identify Key Determinants of Poverty Using Demographic and Health Survey Data. *European Journal of Social Sciences*, 13(1).
- Allen & M. (1990). Organizational Empowerment. *Academy of Management Review*, 18(2).
- Ghazouani, S., & Goaiad, M. (2001). The determinants of urban and rural poverty in Tunisia. Economic Research Forum for the Arab Countries, Iran & Turkey.
- Giavani, L.B. (2005). *Impacts of Policy on Poverty, The definition of Poverty*. FAO, Conceptual and Technical Material, Module 004.
- Malik, S. (2008). Determinants of Rural Poverty in Pakistan: A Micro Study. *The Pakistan Development Review*, 35(2), 171-187.
- Mazamdar, K. (2009). Improvements in Life expectancy an exploratory analysis. *social indicators Research*, 55(3), 303-328.
- Mok, T. Y., Gan, C., & Sanyal, A. (2007). The determinants of urban household poverty in Malaysia. *Journal of Social Sciences*, 3(4), 190-196.
- Okurut, F. N., Odwee, J. O., & Adebua, A. (2002). *Determinants of regional poverty in Uganda*, 12.
- Sen, A. (1981). Public action and the quality of life in developing countries. *Oxford bulletin of economics and statistics*, 43(4), 287-319.
- Sen, A. (1997). Editorial: Human capital and human capability. *World development*, 25(12), 1959-1961.
- Smith, E., & Comyn, P. (2007). *The Development of Employability Skills in novice Workers*. Adelaide, Nver.
- Spring, G. (2009). *New frame work for Vocational Education in schools*. Adelaide Dete.
- Wade, R. (2003). *Governing the market: Economic Theory and the Role of Governmen*. Princeton University Press.